



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موجودیتِ ادارهٔ خارنوالی و خارنوال در نظام عدلی از منظر شریعت اسلامی

نویسنده: دکتر محمد ظریف علم (ستا نکزی)

مقدمه:

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وعلى آله واصحابه اجمعين قال
الله تبارك وتعالى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ءَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ
لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾

خارنوالی کلمهٔ پشته و اسم مکان است که اسم فاعل آن خارنوال میشود به معنای نظارت کننده و تفتیش کننده
معنی میگردد، در عربی بنا بر تخصص و وظیفوی اش بنام نائب العام و بعضاً مدعی العموم نیز یاد میگردد.
و جه استعمال لفظ بر مفهوم معنای وظیفوی خارنوال دلالت میکند از اینرو بحث خویش را بر مبنای موقف
وظیفوی خارنوال ادامه میدهیم.

بشر از قبل در جوامع دارای غریزهٔ خود پسندی، تعدی و تجاوز بالای حقوق هممنوع اش بوده و میباشد و این
غریزه توسط عقاید، عرف، عادات و وضع قوانین از طریق مجازات تحت کنترل قرار میگردد.
شخص حاکم، پادشاه و سران قبیله در قبل حامی و مدافع از حقوق اجتماع بودند و اشخاصیکه مرتکب جرم
میگردیدند از جانب آنها به میز محاکمه کشانیده میشدند.

باتطور زمانی در راستای اینکه جوامع بشری وسعت یافته و سران دول نمیتواند به تمام امور رسیدگی نمایند بناءً
برای هریکس تفویض صلاحیت نموده که در حقوق اداری تفویض صلاحیت منحیث یک اصل حقوقی قبول
شده است.

سیستم حقوقی اسلامی یکی از سیستم های حقوقی زنده است که در جنب دیگر سیستم های حقوقی زنده
جهان مانند سیستم حقوقی رومن ژرمنیک (قوانین مدون) سیستم حقوقی کاملا (حقوق تعاملی) پیروان دارد،

بغیر از مسلمانان کشورهای غیر اسلامی نیز از سیستم حقوقی اسلام در تدوین قوانین خویش استفاده نموده است، چنانچه ناپلیون بناپارت امپراتور فرانسه بعد از تسلط بالای مصر با غنای سیستم حقوقی اسلام مواجه شده سیستم حقوقی اسلام که بر مبنای عدالت اجتماعی و قضائی استوار است مورد پسند ناپلیون قرار گرفته، از اینرو در آلمان قوانین خویش را مبنی بر اساسات فقه اسلامی اساس گذاشت که از آنجمله میتوان کود مدنی فرانسه را نام برد که بنام (کود ناپلیون) در تاریخ تقنین فرانسه ثبت و یاد میگردد، بیشترین احکام این قانون مبنای فقه اسلامی دارد و همچنان ایجاد محاکم اداری در فرانسه نمونه دیگر استفاده از قوانین فقه اسلامی بوده که با گرفتن از سیستم محاکم مظالم اسلامی، محاکم اداری را بوجود آورده و مانند فقه قضائی اینوع محاکم از سایر محاکم عادی مجزاء و مستقل ایجاد گردیده است.

فقه اسلامی در بخش دعوی به انواع دعاوی از نظر عموم و خصوص معترف است چنانچه بحث مستقل در فقه اسلامی تحت عنوان (کتاب الدعوی) وجود دارد و در این مباحث دعاوی به انواع دعوی حق الله (عمومی)، دعوی حق العبد (خصوصی) و دعوی مشترک (حق الله و حق العبد) تقسیم میگردد، که هرکدام در فقه اسلامی دارای مباحث و احکام مشترک و مشخص خویش میباشند.^۱

در بخش دعوی حق الله و حقوق مشترک نقش خارنوال واضح میگردد، اگرچه نقش و وظیفه خارنوال در سیستم حقوقی اسلام مستورد است که منع آن در شریعت نشده است و در لابلای بحث خویش به این اشاره خواهیم داشت که آیا موجودیت خارنوال در موضوعات جزایی، تحقیق و دعوی از جانب خارنوال در شریعت اسلامی مجاز است و یا خیر؟

قبل از اینکه به بحث مشروعیت خارنوال در مراحل تعقیب عدلی از نظر شریعت اسلامی بحث نمایم مرور کوچک به این وظیفه در قوانین افغانستان بطور مختصر ذیلا اشاره مینمایم:

^۱ - ستانکزی محمد ظریف علم، اصول اجراءات و محاکمات جزائی ص ۲۲۵ مراجعه گردد.

مبحث اول: قدامت تاریخی څارنوالی در سیستم عدلی افغانستان:

از نظر اصول وظیفوی څارنوالی یامدعی العمومیت و وظیفه څارنوال از زمانهای قبل بشکل بدوی و ابتدائی آن وجود داشت، اگر نظری به ایجاد دولت و تأسیس حکمرانی ها در افغانستان اندازیم توأم با ایجاد دولت و حکمرانی ها دفاع از حقوق اجتماع در مقابل جرایم و اعمال جرمی از جانب افراد بوجود آمده، با آنهم څارنوالی منحیث یک مسلک بشکل ابتدائی تحت عنوان نام وکیل اثبات جرم در زمان شاه امان الله در تقنین وضعی نام گذاری شده بود، متعاقب در زمان محمد ظاهر شاه بنام مدعی العموم مسمی گردیده که در زمانه های بعدی بنام های څارنوال یاد گردیده است، اداره څارنوالی الی انفاذ اصول اساسی جمهوری دموکراتیک الی سال ۱۳۵۹ هـ ش تحت اثر وزارت عدلیه بوده، بعد از سال متذکره در قانون اساسی مذکور منحیث اداره مستقل رسمیت داده شد، سه وظیفه اساسی (تحقیق، تعقیب عدلی و نظارت از تطبیق قانونیت) را اداره څارنوالی به پیش میبرد، گاهی وظیفه تحقیق اکثر جرایم به پولیس و برخی جرایم محدود به څارنوالی اعطاء گردیده بود، و گاهی هم تحقیق تمام جرایم به څارنوالی اعطاء میگردید و پولیس تنها وظیفه کشف جرم را انجام میداد. بنابراین قدامت څارنوالی با انفاذ اولین تقنین وضعی افغانستان که به حدود (۱۰۰) سال قبل میرسد بوجود آمده است.

مبحث دوم: موجودیت څارنوالی و څارنوال در نظام عدلی از منظر شریعت اسلامی:

عدالت یکی از مهمترین اساسات شریعت اسلامی را تشکیل میدهد، زمانیکه جهان از بربریت و ظلم به ستوه آمده بود، پیامبر بزرگ اسلامی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم برای نجات بشریت از ظلمت مبعوث شد، توصیه قرآن برای مسلمان به عدالت است و عدالت را قریب تقوی توصیف نموده چنانچه الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿اعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾^۲ عدالت نماید که به تقوی نزدیک تر است.

بنابر حکم کلی در شریعت اسلامی خطاب الهی به عدالت است، توصل به عدالت ضرورت به فروع دارد که برخی آنها را شریعت اسلامی توسط منابع شریعت (کتاب الله، سنت و اجماع) تعیین نموده لیکن برخی آنها متعین نشده است نسبت حالات، ظروف و پیشرفت جوامع ضرورت به اجتهاد و افتاء مطابق دو اصل اولی (کتاب الله و سنت) دارد، جوامع با در نظر داشت نظریات علمای اسلامی و منابع اصلی شریعت اسلامی (کتاب الله، سنت، اجماع و قیاس) حالات و ظروف را برای تامین عدالت در سیستم قضائی بوجود آورده میتواند.

^۲ - قرانکریم (سورة المائدة / ۸)

در مورد میتوان به استدلال‌های ذیل موجودیت خارنوالی و خارنوال را در نظام عدلی برای تحقق عدالت توجیه نمود:

استدلال اول: در مورد حل، حرمت و توقف مسایل شرعی از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است: **((ما أحل الله فی کتابه فهو حلال، وما حرم فهو حرام، وما سکت عنه فهو عافیه، فاقبلوا من الله العافیه، فإن الله لم یکن نسیاً))**^۳

ترجمه: آنچه را که خداوند در کتابش حلال کرده است حلال است و آنچه را که نهی کرده حرام است و آنچه را که در مورد آن سکوت کرده عفو است، پس از خداوند عفو را بپذیرید زیرا خداوند چیزی را فراموش نمیکند. از این نص شرعی فقهاء قواعد فقهی را استنباط نموده اند اصل را بر سه محور مشروعیت، محرمانیت و توقف توجیه داشته اند، چنانچه اصل در عقد بیع حلال بودن آنست، اصل در ربا حرام بودن آنست و اصل در اشیاء و اعمال تا زمانیکه حرام بودن آن به نص صریح شرعی حرام نشده باشد، حلال بودن آنست و اصل در عبادات توقف است تا زمانیکه نص شرعی مبنی بر اجراء آن حکم نشده باشد.

ذکر مختصر موضوع فوق بجهت این بود که در موضوعات دولتداری عصر فعلی ایجاد ادارات در دولت اسلامی بخاطر بهتر شدن امور عامه بر اجراء آن در ایجاد ادارات مبنی بر مصالح مسلمین مجاز است.

بنابراین اصل در ایجاد ادارات دولتی در نظامهای اسلامی براساس حدیث فوق در صورت که مسکوت باشد اباحت دارد پس از دیدگاه شرعی ایجاد و فعالیت اداره تحت عنوان (خارنوالی) مشکل شرعی ندارد.

استدلال دوم: در تاریخ تشریح اسلامی در باب قضاء مثالهای بسیار زیاد وجود دارد که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین مسایل قضائی و اداری وجود نداشت لیکن بعد در زمان خلفای راشدین به علت وسعت سرزمین اسلامی و تامین عدالت برخی سیستم های قضائی و اداری ابداع و ایجاد شده است که همانا بر اساس اصل قاعده کلی شریعت اسلامی (عدالت و رفاه عامه) ایجاد چنین ادارات صورت گرفته است.

^۳ - رواه البیهقی فی السنن الکبری / این حدیث را شیخ البانی صحیح دانسته است (در سلسله صحت ۵ ص ۳۲۵ / در غایة المرام حسن دانسته شده است ص ۱۴)

چنانچه در زمان خلافت عمر بن الخطاب رضی الله عنه بوجود آمدن بیت المال، قضاء مظالم و استقلال قضاء را میتوان مثال داد.

استقلال قضاء در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم و زمان خلافت ابوبکر صدیق رضی الله عنه و دو سال اول خلافت عمر رضی الله عنه تحت اثر حاکم و والی بود، در زمان خلافت عمر رضی الله عنه قضاء از سیستم اداری مستقل شد، زمانیکه عمر رضی الله عنه به یک ولایت والی میفرستاد در پهلوی آن قاضی نیز بطور مستقل میفرستاد.^۴

قضاء مظالم که از محاکم عادی جدا در زمان عمر رضی الله عنه ایجاد شد هدف آن محاکمه قضات، والیان، سران لشکر و منصوبین دولتی در صورت ارتکاب جرم و تجاوز بالای رعیت بود، چنانچه نمونه آن در عصر فعلی محاکم اداری که فرانسه از این نوع نمونه محاکم شریعت اسلامی پیروی نموده و متعاقب در اکثر کشور های ایجاد شده است نام برد و یا هم محاکم مبارزه علیه فساد اداری میتوان نمونه دیگر از محاکم مظالم باشد.

چنانچه ماوردی رحمه الله در مورد محاکم مظالم چنین تصریح میدارد: **(ظالمین را با هیبت به عدالت می کشاند و با هیبت ظالمین را از دشمنی سرزنش می کند، و از شروط و اوصاف قاضی مظالم باید جلیل القدر، نافذ الأمر، عظیم الهیبه، ظاهر العفه، قلیل الطمع، کثیر الورع باشد).**^۵

همچنان عمر رضی الله عنه به ابو موسی العشری رضی الله عنه که قاضی کوفه بود نامه فرستاده بود، در این نامه تاکید بیشتر به عدالت شده است، چنانچه تمام کتب فقهی آداب و سلوکیات قاضی را از همین نامه عمر رضی الله عنه استنباط مینمایند، در قسمت از این نامه ذکر گردیده است که هرگاه فیصله از جانب قاضی صورت گرفت و بعد از فیصله ثابت شد که در فیصله اشتباه شده و عدالت صورت نگرفته است هیچ قید نیست تا قاضی به فیصله خود دوباره مراجعه نماید و آنرا اصلاح نماید زیرا حق قدیم است و فیصله به ناحق باطل است پس مراجعه به عدالت جائز است.^۶

بنابراین در قضاء اسلامی مراحل سه گانه (ابتدائی، مرافعه و تمیز) مشروع گردیده و حتی تجدید نظر بالای فیصله های قطعی و یا نهائی محاکم در صورت که درک گردد در فیصله قطعی و یا نهائی اشتباه و یا بی عدالتی صورت گرفته است مجاز میباشد.

^۴ - الزحیلی وهبه، فقه اسلامی و ادلته ج ۶ ص ۷۴۳

^۵ - الماوردی، الاحکام السلطانیة ص ۷۳

^۶ - الاحکام السلطانیة از ماوردی دیده شود ص ۶۸

همچنان میتوان مثال دیگری در تاریخ تشریح اسلامی در زمان عصر تبع تابعین خلافت عباسیان داد، در این زمان ایجاد بست تحت عنوان (قاضی القضاة) دلیلی دیگری مبنی بر وسعت نظر شریعت اسلامی در ایجاد مناسب و بخش ها اداری منحیث اعوان قضاء در باب قضاء میباشد، در این زمان به بست متذکره امام ابویوسف رحمه الله مجتهد فی المذهب در مذهب حنفی و شاگرد امام ابوحنیفه رحمه الله تعیین گردیده بود.

براساس استدلال و مثال های فوق تاریخ تشریح اسلامی ثابت میگردد، در مسائل که شریعت توسط نصوص صریح خویش آنرا تصریح ننموده و سکوت نموده باشد ایجاد چنین ادارات موقوف به صلاح و رفاه خدمات عامه برای جامعه میباشد، چنانچه خارنوالی نیز یکی از ادارات میباشد که جرایم را از حیث تخصصی تحقیق نموده و علیه مرتکبین به محاکم اقامه دعوی بطور تخصصی و مسلکی مینماید، که ضرورت مبرم جوامع فعلی را تشکیل میدهد.

استدلال سوم: در شریعت اسلامی یکی از منابع آن مصالح مرسله است که در این بخش از مبحث ما میتوانیم اهمیت اداره خارنوالی را از منظر شرعی استدلال نمایم.

مصالح مرسله: امام غزالی رحمه الله مصالح مرسله را چنین توضیح میدارد:

مصالح مرسله در اصل عبارت از جلب منفعت و دفع ضرر است، از اینرو جلب منفعت، دفع ضرر از اهداف و صلاح خلقت در رسیدن به مقاصد آنهاست، پس منظور از مصلحت حفظ شریعت است و مصلحت شریعت در خلقت پنج مقصد است که عبارت اند از:

۱- حفظ دین؛

۲- حفظ نفس؛

۳- حفظ عقل؛

۴- حفظ نسل؛

۵- حفظ مال.

بنابراین هر چیزی که شامل حفظ پنج مقصد شرعی فوق باشد پس آن مصلحت است و هر آنچه از این پنج مقصد بگذرد فساد است و دفع آن مصلحت دانسته میشود.^۷

^۷ - الغزالی ابي حامد محمد بن محمد الطوسی، المستصفي من علم الأصول ج ۱ ص ۳۱۳

طبق تعریف فوق امام غزالی رحمه الله مصلحت در پنج مقصد شریعت اسلامی منحصر است که حفظ آنها برای جلب منفعت است و دفع ضرر از آنها نیز مصلحت دانسته میشود.

در حفظ این پنج نوع مقصد شریعت اسلامی در جوامع برای اولامر لازم دانسته تا دین، نفس، عقل، نسل و مال مردم حفظ گردد و تجاوز بالای هرکدام آنها از منظر شریعت اسلامی جرم بوده، مرتکب آن مستوجب مجازات دانسته میشود.

چنانچه تجاوز بالای هرکدام از مقاصد فوق جرایم تحت اصناف علیه اشخاص، علیه اموال، علیه عفت، علیه امنیت و منفعت عامه تقسیم میگردد.

از اینرو برای حفظ هرکدام از مقاصد فوق مصلحت ایجاب مینماید تا نهاد تخصصی موجود باشد که بتواند به تحقیق مسلکی و تخصصی و همچنان اقامه دعوی جزائی از نظر تخصصی و مسلکی عدالت را براساس معنای آن (گذاشتن شی در جایگاه اش) تامین نماید.

نه تنها اداره خارنوالی بلکه مصلحت ایجاب ایجاد بیشترین وزارت ها و ادارات دولتی در نظامهای اسلامی از همین اصل شرعی که (مصالح مرسله) است مبنای گرفته است و علت هم در ایجاد چنین ادارات مصلحت جامعه و دفع ضرر از اجتماع بوده، چنانچه از نظر مذهب حنفی مصالح مرسله در بحث استحسان و قیاس خفی شامل میشود، که استحسان نوع دیگر از منابع شریعت اسلامی را تشکیل میدهد و در بیشترین کتب فقهی احناف اگر دیده شود برخی مسایل را استحسانا جایز دانسته است.

از اینکه عصر فعلی عصر فساد است و یک امر مهم جوامع اسلامی که عبارت از تامین عدالت است و تمام وظایف عدلی و قضایی بدست یک ارگان (قضا) چند امکان ضرر را بوجود آورده میتواند که مصلحت شریعت اسلامی در دفع ضرر (بی عدالتی) وکسب منفعت (عدالت) یک امر واضح روی مورد ذیل دانسته میشود:

۱- عدم تحقق عدالت: اگر تحقیق، اقامه دعوی و فیصله تماماً مربوط یک ارگان (قضا) باشد، تحقق عدالت خدشه دار میگردد، زیرا همین ارگان از ابتداء الی انتها به یک تیوری مشترک موضوعات را بررسی میکنند بنابراین مصلحت در عصر فعلی ایجاب مینماید تا ارگان تحقیق و اقامه دعوی جدا از قضا منحیث اعوان قضا که در فقه اسلامی بحث خویش را دارد ایجاد گردد، قضا و محاکم بطور کلی اجراءات مرحله تحقیق و تعقیب

عدلی را در روشنایی احکام شرعی و قانونی مبنی بر عدالت نظارت و بررسی نموده، فیصله عادلانه صادر نمایند.

۲- عدم تخصصی شدن: شریعت اسلامی به مسلکی و تخصصی شدن قضاوت و اعوان آن تمرکز بیشتر نموده است، در عصر فعلی کسرت و پیشرفت علم باعث شده است تا مشاغل تخصصی بوجود آید و هر رشته از رشته دیگر مجزأ گردد، چنانچه در کتاب شرح عقود رسم المفتی از سید محمد امین بن عمر بن عبد العزیز چنین نقل گردیده است: **(من جهل بأهل زمانه فهو جاهل)** هر شخصیکه از مسائل روزگار خود خبر نداشته باشد نادان است.

بنابراین در عصر فعلی تفکیک رشته ها بنابر تخصصی شدن آنها ایجاب مصلحت مینماید تا دو مسلک قضاء، تحقیق و تعقیب عدلی از هم مجزأ گردد.

خارنوال بطور تخصصی در جریان تحقیق دلایل الزام و یا عدم الزام را مبنی بر الزامیت و عدم الزامیت متهم مطابق عدالت جمع مینماید و این جمع آوری دلایل به میتود های معاصر صورت میگیرد که مصروف شدن قاضی در جمع آوری دلایل و رفتن قاضی برای جمع دلایل مستحق موقف قاضی از نظر شرعی در باب سلوکیات قاضی نمیباشد.

از سوی هم بحث اعوان قضاء در فقه منحصیث یکی از ابواب مهم دانسته شده است که خارنوال، وکیل مدافع، محررین، پولیس، اهل خبره و یا سایر مسلک های که بعد از این در باب قضاء بوجود میاید منحصیث اعوان کمک کننده های قضاء در عدالت قضایی شامل میگردند.

نتیجه بحث:

براساس بررسی، استدلال و موارد فوق به این نتیجه میرسیم که:

۱- اداره خارنوالی در افغانستان قدامت تقریباً صد ساله دارد که تقریباً پنجاه سال آن بطور اداره مستقل در جامعه فعالیت نموده است.

۲- شریعت اسلامی ایجاد اداره خارنوالی را رد نموده است بلکه براساس اصل کلی تامین عدالت به شیوه های مختلف دولت اسلامی را برای عدالت تشویق نموده است.

۳- مثالهای روشن در طول تاریخ تشریح اسلامی در باب قضاء برای ایجاد محاکم مانند محاکم مظالم، بست قاضی القضاة، استقلال قضاء، ایجاد مراحل سه گانه محاکم بغرض تامین عدالت وجود دارد که اداره خارنوالی نیز در این عصر با پیروی از موارد فوق مشکل شرعی ندارد.

۴- مصالح مرسله منحیث منابع شریعت اسلامی در دفع مفسد که همانا عدم تامین عدالت است و کسب منافع که همانا تامین عدالت برای مقاصد پنج گانه شریعت اسلامی است ایجاب مینماید تا اداره خارنوالی و خارنوال در جوامع اسلامی وجود داشته باشد.

۵- عدالت یکی از مقاصد شریعت دانسته میشود بنابراین میتوان برای رسیدن به عدالت از شیوه های مشروع استفاده نمود چنانچه در مورد رد خارنوالی حکم صریح شرعی وجود ندارد، لیکن نسبت به دلایل که ذکر گردیده برای تامین عدالت یک اداره که قوت قانونیت ارگانیک و حمایت خود را داشته باشد در جوامع حتمی دانسته میشود.

نویسنده : دکتر محمد ظریف علم (ستانکزی)